



با مدعی مگوئید یا بگوئید؟ (نگاهی به پنجاه غزل حافظ از روزگار او)

ابوالفضل خطیبی

غزل‌های حافظ (نخستین نسخه یافت شده از زمان حیات شاعر)، گردآوری علا مرندی در ۷۹۱-۷۹۲ هجری قمری، به کوشش علی فردوسی، نشر دیبایه، تهران ۱۳۸۷، ۲۱۴ صفحه.

به تازگی پنجاه غزل حافظ برگرفته از جنگ شعری به کتابت علا مرندی نامی، را که ادعا شده هم‌روزگار حافظ بوده، دکتر علی فردوسی، استاد و مدیر گروه تاریخ دانشگاه تُتردام (ایالت کالیفرنیا) به چاپ رسانده است.

این کتاب، در روز نهم بهمن ماه ۱۳۸۷، در فرهنگسرای نیاوران رونمایی شد و، در گزارشی که خبرگزاری فارس از این رویداد منتشر کرده، آمده است که استادان ایرج افشار، محمدرضا شفیعی کدکنی، و سلیم نیساری تاریخ این نسخه را تأیید کرده‌اند.

به گزارش دکتر فردوسی در مقدمه مفصل شصت صفحه‌ای این چاپ، جنگ یادشده در کتابخانه بادلیان دانشگاه آکسفورد نگهداری می‌شود. غزل‌ها همگی (شاید به استثنای پنج غزل) در هنگام حیات شاعر وارد جنگ شده‌اند. در این جنگ، نخست شعرهایی از خود علا مرندی سپس گزیده‌ای از اشعار عمیدالملک گندری (مقتول: ۴۵۶)،

مهستی گنجوی (قرن ۶)، رشیدالدین وطواط (وفات: ۵۷۳ یا ۵۷۸)، کمالالدین اسماعیل (وفات: ۶۳۵)، سیف باخرزی (وفات: ۶۵۹)، سعدی (وفات: ۶۹۱ یا ۶۹۴)، همام تبریزی (وفات: ۷۱۳ یا ۷۱۴)، نزاری قهستانی (وفات: ۷۲۰)، اوحدی مراغه‌ای (وفات: ۷۳۸)، سلمان ساوجی (وفات: ۷۷۸)، شاه شجاع (وفات: ۷۸۶)، جلال‌الدین عضد یزدی (قرن ۸)، حافظ (وفات: ۷۹۱ یا ۷۹۲)، سلطان احمد جلایر (سلطنت: ۷۸۴-۸۱۳ مقتول) نقل شده است.
آقای فردوسی، در دیباچه، دو قرینه درباره تاریخ کتابت این جنگ به دست می‌دهد، یکی بیت

در سنه‌ی اثنی و تسعین بود از هجر نسی در محرم این محرم شد به رسم روزگار

و دیگری سرعنوان‌های غزل‌ها و مفردات حافظ.

وی، در شرح و توضیح قرینه اول، می‌نویسد که حذف صدگان از تاریخ در این روزگار رایج بوده است و، در تأیید این قول، شواهدی از ظفرنامه شامی و شیرازنامه معین‌الدین زرکوب شیرازی به دست داده است. اما، چنان‌که ملاحظه می‌شود، شواهد از کتاب‌های تاریخ است نه از تذکره‌ها یا جنگ‌ها. به علاوه، در ظفرنامه شامی، رویدادها به ترتیب سنواتی مرتب شده، لذا حذف صدگان برای پرهیز از تکرار اشکالی پدید نمی‌آورد و سابقه آن را معلوم می‌سازد. در شیرازنامه نیز، درست یک سطر پیش از سطر مستند آقای فردوسی (ص ۱۰۲)، تاریخ کامل آمده است. آقای فردوسی، که رشته تخصصی ایشان تاریخ همین دوره است، نیک می‌دانند که این شیوه ثبت تاریخ در بسیاری از تواریخ به‌ویژه متعلق به دوره‌های تیموری و صفوی معمول بوده است.

آقای فردوسی، با استناد به سرعنوان‌ها، استنباط می‌کند که غزل‌ها و مفردات جلال‌الدین عضد یزدی پس از مرگ وی و از آن حافظ در زمان حیات او وارد جنگ شده است. علا مرنندی از جلال با دعاهایی چون **وَلَهُ رَوْحَ اللَّهِ تُرْبَتَهُ، وَلَهُ نَوَّرَ اللَّهُ رُوحَهُ** یاد می‌کند و از حافظ با دعاهایی چون **وَلَهُ دَامَ تَوْفِيقُهُ، وَلَهُ طَيَّبَ اللَّهُ عَيْشَهُ، وَلَهُ دَامَ إِفْضَالُهُ**. «پس تردیدی نمی‌توان داشت که علا غزل‌های حافظ را هنگامی که شاعر شیرازی هنوز از نعمت حیات برخوردار بوده در مجموعه خود وارد کرده است».

آقای فردوسی، با مقایسه ضبط جنگ و چاپ خانلری، به این نتیجه رسیده است که

این دو در ۳۳۵ مورد تفاوت دارند و، از این ۳۳۵ مورد، ۶۳ مورد ضبط جُنْگ با ضبط هیچیک از نسخه‌های شناخته برابر نیست. در این گفتار، جز یکی دو مورد دیگر، به بررسی همین ۶۳ مورد آن‌هم به لحاظ زبان و منطق درونی شعر حافظ پرداخته خواهد شد. آقای فردوسی، در اواخر دیباچه، از همین دو مورد گفت‌وگو می‌کند که قاعدتاً باید آنها را شاهدی برای ارزش و اعتبار ضبط‌های جُنْگ تلقی کرده باشد. بنابراین، ما بحث خود را با همین دو نمونه آغاز می‌کنیم.^۱

غزل ۸، بیت ۱

با مدعی مگویید (بگویید) اسرارِ (احوال) عشق و مستی
تا بی خبر بمیرد (نمیرد) در دردِ خودپرستی

آقای فردوسی ضبط علا را «منحصربه‌فرد» معرفی کرده و گفته که آن را «نمی‌توان به سود ضبط‌های خانلری و نیساری رد کرد». وی بر آن است که حافظ خواسته است «مدعی پیش از رخت بر بستن از این جهان حدّ اقل از احوال عشق و مستی آگاه شود». اما اولاً ضبط علا «منحصربه‌فرد» نیست، در سه نسخه ضبط «بگوئید» و در دو نسخه ضبط «نمیرد» آمده (← سلیم نیساری، دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ، دفتر دوم، ص ۱۴۱۶). به علاوه، خود آقای فردوسی در پانوشت این بیت نوشته‌اند: «ضبط علا برابر است با نسخه ط». ثانیاً خواهی، در چندین بیت، احوال مدعی لاف‌زن و موضع خود را در قبال او برای ما روشن کرده است:

ای مدعی برو که مرا با تو کار نیست
با مدعی نزاع و محاکا چه حاجت است
مدعی گر نکند فهم سخن گو سر و خشت
جور از حبیب خوش تر کز مدعی رعایت
که رحم اگر نکند مدعی خدا بکند

چگونه است که موقف حافظ در قبال مدعی تنها در ضبط علا از بیت شاهد دگرگون می‌شود. به هر حال، این بیت با ضبط علا با بیت‌های دیگر چندان سازگار نیست.

(۱) همه‌جا ضبط چاپ خانلری و، اگر در آن نیامده باشد، ضبط دفتر دگرسانی‌ها در غزل‌های حافظ نیساری نقل شده و، در موارد اختلاف، ضبط علا مرندی درون پراوتز نشان داده شده است.

غزل ۸، بیت ۶

حافظ ندید (بدید) اول وین غم گرفت مهمل
کز اوج سربلندی افتد به چاه (خاک) پستی

بحث اصولاً درباره این بیت به نظر زاید می‌رسد چون بیت به این صورت در چاپ خانلری نیست و در چاپ نیساری هم در بخش «ابیات اضافه بر متن» جای گرفته است. اما مصراع دوم آن، هم در چاپ خانلری و هم در چاپ نیساری، در بیت زیر آمده است:

در آستانِ جانان از آسمان میندیش کز اوج سربلندی افتی به خاکِ پستی
و بعید است که حافظ در دو بیت یک مصراع را با اندک تغییری به کار برده باشد. این برداشت آقای فردوسی هم، که ترجیح داده‌اند «بدید اول» (ضبط جنگ) را «به دید اول» به معنی «به اولین نگاه» بخوانند و، با این قرائت، بیت را چنین تفسیر کنند که حافظ در نگاه اول این غم را که از اوج سربلندی به چاه پستی خواهد افتاد چندان جدی نگرفت و جهی ندارد. این تفسیر با ضبط این (بدون واو عطف) ممکن است و جهی پیدا کند نه با ضبط وین (با واو عطف) چون عبارت «به دید اول وین غم گرفت مهمل» دستوری نیست.

غزل ۱، بیت ۳

مدعی خواست که آید به تماشاگه راز (هرکسی خواست قدم در حرم عشق زدن)
دستِ غیب آمد و بر سینه نامحرم زد

ضبط علا در نسخه د (چاپ خانلری) آمده است. اما، در این نسخه، به جای «زدن»، «نهد» ضبط شده است. صرف نظر از این معنی، هرکس که با پیوند زنده کلام و پیام حافظ و ربط ظریف عناصر و اجزای سخن او با یکدیگر آشنا باشد به آسانی بر ضبطِ نجسبِ علا، در مقابل متناظر آن، دست رد می‌زند و در اصالت ضبط مقابل، که در آن کلیدواژه‌های «راز»، «غیب»، «نامحرم» با یکدیگر همپیوستگی دارند، کمترین تردیدی روانمی‌دارد.

غزل ۱، بیت ۴

جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت
عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد (و آتش به همه عالم زد)

پاره آخر مصراع دوم این بیت در نسخه علا («و آتش به همه عالم زد») عیناً در مصراع دوم از بیت مطلع در همین نسخه (عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد) تکرار شده است:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
... جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت عین آتش شد و آتش به همه عالم زد
به علاوه، این غزل معروف از جمله غزل‌های روائی حافظ است که توالی منطقی
بیت‌های آن آشکار است.

مفرد شماره ۲ و غزل ۴۷، بیت ۵

بر در میخانه عشق ای ملک تسبیح گوی (آهسته رو)
کاندر آنجا (غزل ۴۷: اینجا) طینتِ آدم مخمر می‌کنند
تسبیح گفتن ملک در بیت زیر از حافظ آمده است:

تویی آن گوهر پاکیزه که در عالم قدس ذکر خیر تو بود حاصل تسبیح ملک
(خانلری، غزل ۲۹۵، بیت ۲)

با ضبط علا (آهسته رو) رابطه مضمون بیت با آیه قرآنی گسسته می‌شود. ضمناً «بردر»
با «سکون» وفق دارد نه با «حرکت» (رفتن).

غزل ۴، بیت ۵

گوش (روی) بگشای که بلبل به فغان می‌گوید
خواجه تقصیر مفرما گل توفیق بوی

ضبط «روی بگشای» در هیچ‌یک از نسخه‌ها جز نسخه علا نیست و نباید هم باشد؛ چه
گوش را برای شنیدن فغان بلبل می‌گشایند نه روی را. اگر فغان بلبل لاحق بر طلب
روی گشودن می‌بود، باز ضبط جُنْگ و جهی پیدا می‌کرد؛ امّا «فغان بلبل» دلیل طلب
آمده است نه پی‌آمد آن.

غزل ۷، بیت ۵

خدا را چون دل ریشم قراری بست (یافت) با زلفت
بفرما لعلِ نوشین را که حالش (جانش) با قرار آرد

زیبایی و لطف سخن خواجه در این بیت آن است که، در دو مصراع، «قرار» به دو معنی «عهد و پیمان» و «آرامش» به کار رفته است. اما، با ضبط علا، «قرار» در دو مصراع یک معنی پیدا می‌کند و لطف سخن از دست می‌رود. به علاوه، مرجع ضمیر «ش» در هر دو ضبط (حالش / جانش) «دل» است؛ اما «حال دل» معنی دار است در صورتی که «جان دل» معنی دار نیست.

غزل ۱۱، بیت ۲

ما را به منع عقل مترسان و می بیار
کان شحنه (شیخ) در ولایت ما هیچ کاره نیست
ضبط علا (شیخ) بر ضبط نسخه‌های دیگر (شحنه) برتری ندارد؛ چون مست با شحنه سروکار دارد نه با شیخ.

غزل ۱۴، بیت ۱

به عهد (فصل) گل شدم از توبه شراب خجل
که کس مباد ز کردار ناصواب خجل
بیت با ضبط «عهد» که هم به معنای «پیمان» است هم به معنای «دوران» ابهام شاعرانه خوشی پیدا می‌کند که با ضبط «فصل» پیدا نمی‌کند.

غزل ۱۴، بیت ۶

رواست نرگس مست ار (به باغ نرگس از آن رو) فکند سر در پیش
که شد ز شیوه آن چشم پرعتاب خجل
ضبط خانلری آشکارا بر ضبط علا برتری دارد؛ چون دلیل سرافکنندگی و خجالت نرگس را تلویحاً ناکامی او در رقابت با چشم معشوق از حیث مستی افاده می‌کند. در واقع، اگر کلیدواژه مست در بیت نباشد، مضمون اصلی بیت نفی می‌شود.

غزل ۱۴، بیت ۷

حجابِ ظلمت از آن بست (جست) آبِ خضر که گشت
ز طبع حافظ و این (وز) شعرِ همچو آب خجل

در مصراع دوم، ضبط علا (حافظ و وز) در هیچ یک از نسخه‌ها نیست و نباید هم باشد دو واو عطف دارد که یکی زاید است.

غزل ۱۷، بیت ۲

افشای راز خلوت ما خواست کرد شمع
شکر خدا که سر دلش در زبان (دهان) گرفت
شمع «زبان» دارد نه «دهان». در ادبیات فارسی شنیده و دیده نشده است که شاعری
برای شمع «دهان» صورت بسته باشد. «سر دل» هم گره در زبان می‌افکند نه در دهان.

غزل ۱۹، بیت ۵

من سرگشته هم از اهل سلامت بودم
دامِ راهم شکن طرّه هندوی (سلسله موی) تو بود
«سلسله موی» در پایان بیت اول همین غزل آمده است:
دوش در حلقه‌ی ما قصه‌ی گیسوی تو بود تا دل شب سخن سلسله موی تو بود

غزل ۲۶، بیت ۸

می‌ده (خور) که شیخ (شیخ) و حافظ و (حافظ) مفتی و محتسب (مستقی)
چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند
ضبط «خور» در برخی نسخه‌ها هست ولی ضبط «مستقی» قطعاً محرف «محتسب»
است که در نسخه‌های دیگر آمده و این تحریف چه‌بسا از مجاورت با «مفتی»
پدید آمده باشد.

غزل ۲۷، بیت ۴

ضبط خانلری:
سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند
ضبط علا:

سرود مجلس دوران جام جم این بود که جام نوش که دوران جم نخواهد ماند
ضبط علا در مصراع یکم در هیچ یک از نسخه‌ها نیست. تعبیر «دوران جام» نیز

ناآشناست که به جای «گردش جام» نشسته است. ترکیب «مجلس دوران جام جم» نیز غریب است. ضمناً «جام» را نمی‌نوشتند.

غزل ۳۴، بیت ۳

ضبط خانلری:

قصر فردوس به پاداش عمل می‌بخشند ما که رندیم و گدا دیر مغان ما را بس
ضبط علاء:

قصر عشرتگه و ایوان به ملوک ارزانی ما فقیریم و گدا دیر مغان ما را بس
در تعبیر «فقیریم و گدا»، حشو به چشم می‌خورد. برتری قوت بیان در ضبط خانلری آشکار است و مضمون آن با مضمون بیت ۵ این غزل مطابقت دارد که
از در خویش خدا را به بهشتم مفرست که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس

غزل ۳۵، بیت ۴

درویش را نباشد نُزلِ سرایِ (نزلی برای) سلطان
ماییم و کهنه (نیم) دلقی کاتش در آن توان زد

از درویش کسی انتظار ندارد «نُزل» برای سلطان داشته باشد چون سلطان به مهمانی نزد درویش نمی‌رود. اما حافظ می‌گوید: درویش «نُزلِ سرای سلطان» یعنی آنچه در سرای سلطان پیش مهمان آورند ندارد و آسمان جُل است. «نیم‌دلوق» هم معنای محصلی ندارد. «نیم‌دار» به معنی «نه نو نه کهنه» صفت جامه و فرش آمده است نه «نیم» مطلق.

غزل ۳۹، بیت ۲

به نوکِ خامه رقم کرده‌ای سلام مرا

که کارخانه (کارنامه) دوران مباد بی‌رقمت (بی‌قلمت)

بر فرض که ضبط «کارنامه» را بپذیریم، در آن «رقم» یعنی محصول «قلم» باید باشد نه خود «قلم». ضمناً کلمه قافیۀ «قلمت» تکرار است چون در مصراع اول مطلع غزل هم آمده است. در همین غزل بیت دیگری هم با کلمه قافیۀ «قلمت» آمده که در نسخه علاء نیست. همچنین «رقم» به ضبط خانلری در مصراع دوم با «کارخانه» مناسبت دارد چون به معنای نقش و علامت روی پارچه محصول آن نیز هست که با «رقم» در مصراع اول در ترکیب «رقم کردن» به معنی «نوشتن» جناس تام دارد.

غزل ۳۹، بیت ۵

مرا ذلیل مگردان به شکرِ این توفیق (معنی)
که داشت دولتِ سرمد عزیز و محترم

برتری ضبط خانلری پیداست؛ چون هر توفیقی مشکور است و هر معنایی مشکور نیست.

غزل ۴۶، بیت ۵

لطیفه‌ایست نهانی که عشق ازان (از او) خیزد
که نام آن نه لب لعل (لب لعلی) و خطّ زنگاریست

«لب لعل» و «خطّ زنگاری» نهان نیست، پیدای پیداست و دلیل پیدابودن ذکر رنگ آنهاست. آنچه نهان است نام خاص ندارد و از آن به «لطیفه» تعبیر شده است. خواهی، در بیت بعدی، این معنی را روشن‌تر بیان می‌کند و می‌فرماید:

جمالِ شخص نه چشم است و روی و عارض و خط

هزار نکته در این کار و بارِ دلدار است

هر چند ازو به سبک قدیم نزدیک‌تر است، به لحاظ موسیقی درونی مصراع، ازان با نهان هماهنگ است و رجحان دارد.

غزل ۴۸، بیت ۴

گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد
گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر (یاور) آید

«گمراه» را راه‌بری می‌کنند که آن هم «یاوری» است منتها نوعِ یاوریِ مختصّ گمراه. «بوی» نیز خود راه و وصول را نشان می‌دهد و، اگر «بوی زلف» باشد، چه بسا راه وصول به آفتاب روی را.

غزل ۴۸، بیت ۵

گفتم خوشا هوایی کز باغ حسن (کوی عشق) خیزد
گفتا خنک (خوشا) نسیمی کز کوی (بوی) دلبر آید

ضبط «باغ خُلد» هم داریم که مقابله «نسیم کوی دلبر» با «هوای» آن بیان قوی‌تری است.

در ضبط علا، «خوشا» در دو مصراع تکرار شده است؛ همچنین، در «نسیم»، عطر و بو منظوی است. شاهدش در حافظ:

نسیم باد صبا دوشم آگهی آورد که روزِ غصّه و غم رو به کوتاهی آورد
لذا آمدن «نسیم» از «بوی دلبر» چه معنی دارد؟

ذیلاً بقیّه ضبط‌های منحصر به فرد نسخه علا بدون هیچ توضیحی آمده و خواننده خود می‌تواند آنها را با ضبط‌های چاپ خانلری بسنجد.

بوی یکرنگی از این نقش نمی‌آید خیز
دلّی آلوده صوفی به می‌ناب (صاف) بشوی (غزل ۴، بیت ۲)
ای باد اگر به گلشن احباب بگذری
زینهار (زینهار) عرضه ده بر جانان پیام ما (غزل ۶، بیت ۵)
که مصراع دوم با ضبط «زینهار» از وزن خارج می‌شود.

حافظ ز دیده دانه اشکی همی فشان
باشد (بادا) که مرغ وصل کند میل دام ما (غزل ۶، بیت ۷)
در گوشه سلامت مستور چون توان بود
تا نرگس تو با ما گوید رموز (هنوز) مستی (غزل ۸، بیت ۴)
راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست
آنجا جز آنکه جان بسپارند (بگذارند) چاره نیست (غزل ۱۱، بیت ۱)
به تماشاگه زلفش دل حافظ روزی
شد که باز آید و جاوید (بیچاره) گرفتار بماند (غزل ۲۱، بیت ۷)
در این خرقه بسی (هزار) آلودگی هست
خوشا (که خوش) وقت قبا می‌فروشان (غزل ۲۳، بیت ۲)
این یک دو دم که وعده (دولت) دیدار ممکن است
دریاب کار ما (فرصت شمار هان) که نه پیداست کارِ عمر (غزل ۲۴، بیت ۴)
در مصراع اول، ضبط «دولت» در نسخه‌های دیگر نیز هست.

جنگ (بحث) هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه (یکسو نه)
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند (غزل ۳۳، بیت ۵)

صوفی بیا که آینه صافیست جام را
تا بنگری صفای (بنگرم صاف) می لعل فام را (غزل ۳۶، بیت ۱)
این قصه عجب شنو از (ای) بخت و ازگون
ما را بکشت یار (دوست) به انفاس عیسوی (غزل ۳۷، بیت ۵)
چشمت به عشو (غمزه) خانه مردم خراب (سیاه) کرد
مخموریت (مستوریت) مباد که خوش مست می روی (غزل ۳۷، بیت ۶)
فقط ضبط «مستوریت» در هیچ یک از نسخه های دیگر نیست.
عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس (به طرف میکده خواهیم معتکف گشتن)
که و عطر بی عملان واجب است نشیندن (غزل ۴۰، بیت ۶)
بنده پیر خراباتم که درویشان او
گنج را از بی نیازی (بی بهایی) خاک بر سر می کنند (غزل ۴۷، بیت ۳)
(بی بها در زبان قدما به معنی «آنچه نتوان بهای آن را معین کرد؛ بسیار پُریها» به کار می رفته است).

بررسی ما از ضبط های منحصر به فرد علا به پایان رسید. چنان که ملاحظه می شود، آقای فردوسی در دیباچه و مصاحبه ها اظهار کرده اند که ۶۳ فقره از ضبط های متفاوت آنهایی هستند که «در هیچ یک از نسخه های موجود» دیده نمی شوند. حال آنکه این ۶۳ فقره در چاپ خانلری نیستند نه در «هیچ یک از نسخه های موجود». حدود نیمی از این ضبط ها در دفتر دگرسانی های نیساری فهرست شده اند. از جمله ضبط های بگوئید و نمیرد، به جای مگوئید و بمیرد که آقای فردوسی آنها را ضبط منحصر به فرد علا معرفی کرده اند و مقارن رونمایی این نسخه بحث های زیادی درباره آنها به راه افتاد، چنان که پیشتر نشان دادیم، هردو در نیساری آمده است. ضبط های منحصر به فرد نسخه علا، ۴۱ فقره در ۳۱ بیت است که اگر دو ضبط قطعاً نادرست «شیخ» و «مستقی» غزل ۲۶، بیت ۸ را از آن منها کنیم به رقم ۳۹ می رسیم. ذیلاً، برای نشان دادن احصای نادرست آقای فردوسی، چند شاهد دیگر از ضبط های نسخه علا را که در چاپ خانلری نیست و در دفتر دگرسانی های نیساری هست می آوریم (ابیات مطابق چاپ خانلری و تفاوت ها درون پرانتز از نسخه علاست):

پنج روزی که در این مرحله مهلت (منزل) داری

خوش بیاسای زمانی که زمان این همه نیست (غزل ۳، بیت ۴؛ نیساری، ۳۱۳/۱)

در این باغ از خدا خواهد دگر (در این) پیرانه سر حافظ
 نشیند بر لبِ جوئی و سروی در کنار آرد (غزل ۷، بیت ۶؛ نیساری، ۴۱۶/۱)
 گر به زهنگه ارواح برد بوی تو باد
 عقل و جان گوهر هستی (ملک و حور دل و جان) به نثار افشانند (غزل ۹، بیت ۶؛ نیساری، ۱۷۱/۱)
 بعد از اینم چه غم از تیر کج انداز حسود (چه غم از تیر کج انداز حسود است مرا)
 چو (که) به محبوبِ کمان‌ابروی خود پیوستم (غزل ۱۰، بیت ۴؛ نیساری، ۱۰۳۳/۲)
 فی‌الجمله اعتماد مکن بر ثباتِ دهر (هیچ)
 کاین کارخانه‌ایست که تغییر می‌کنند (غزل ۲۶، بیت ۷؛ نیساری، ۱۷۷/۱)
 حافظ از مشربِ قسمت گله بی‌انصافی است
 طبع چون آب و غزل‌های (سخن‌های) روان ما را بس (غزل ۳۴، بیت ۷؛ نیساری، ۹۱۵/۲)
 این جان‌عاریت که به حافظ سپرد دوست (سپرده‌اند)
 روزی رخس ببینم و تسلیم وی کنم (غزل ۴۴، بیت ۷؛ نیساری، ۱۱۶۲/۲)

کوتاه‌سخن، از ضبط‌های منحصر به فرد نسخه‌ علا حتّی یک مورد نیست که بر ضبط‌های نسخه‌های دیگر برتری داشته باشد. گیریم که این نسخه در زمان حافظ و در آخرین روزهای حیات او نوشته شده باشد و، به گفته آقای فردوسی، خود حافظ شعرش را دست‌کاری کرده باشد، باز این پرسش پیش می‌آید که چرا این دست‌کاری‌ها سروده‌های قدسی حافظ را از اوج سربلندی به خاک پستی افکنده است؟ در پاره‌ای از شواهد که برای قدمت این نسخه عرضه شده نیز سخن است:

– حذف صدگان از رقم سنه‌ای که علا در بیتی آورده هیچ‌گاه معمول نبوده است.
 – آقای فردوسی، از سرعنوان‌های برخی از غزل‌ها چون «وله سلّمه الله» و «طاب وقته» چنین نتیجه می‌گیرد:

می‌توان چنین پنداشت که حافظ در اوج سربلندی و محبوبیت دچار بیماری مهلکی شده است که همه دوستانش، شاید همه شهر، را نگران نگه می‌داشته است. در این روزهاست که علا سرگرم استنساخ غزل‌های شاعر است. بنابراین، هر بار که علا یکی از عنوان‌های خود را وارد می‌کند ناگزیر آنچه را در دل دارد به شکل دعائی بر بالای هر غزل می‌افزاید؛ برای شاعر سلامتی می‌طلبد و توفیق و بقا و، چون احتمالاً با او آشنایی دارد، ملاقاتی خوش‌تر...

این برداشت‌ها، که مبتنی بر تخیل است نه بر شواهد متقن، برای نگارش سناریوی درباره‌ی رابطه‌ی علا با حافظ مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

– هیچ‌یک از ضبط‌های منحصر به فرد نسخه‌ی علا اختصاصاً ضبط‌های اصیل بازمانده از زبان عصر حافظ نیست که امروزه ما بر اساس آن قدمت و اصالت نسخه را دریابیم.
– در نسخه‌ی علا، هیچ بی‌تی از دیوان حافظ دیده نمی‌شود که در نسخه‌های دیگر نباشد.

– در مقایسه با چاپ خانلری، در نسخه‌ی علا، از ۴۹ غزل تنها ۹ غزل (شماره‌های ۱، ۵، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۴۲، ۴۴) کامل‌اند و ۴۰ غزل دیگر از یک تا شش بیت کم دارند. در نسخه‌ی علا حتی یک غزل هم دیده نمی‌شود که دست‌کم یک بیت اضافه بر چاپ خانلری داشته باشد.

به نظر نگارنده، کاتب جنگ احتمالاً برخی از غزل‌ها را از حافظه‌ی خود نوشته و در هنگام ثبت آنها همه بیت‌های آنها را در خاطر نداشته و غزل‌ها را ناقص و ابیات آنها را پس و پیش نوشته است. هنگام کتابت برخی از غزل‌ها نیز، واژه‌ها یا پاره‌هایی از بیت‌ها را فراموش کرده بوده و آنها را از ذهن به قلم درآورده است. بنابراین، شایسته است به ضبط‌های منحصر به فرد نسخه‌ی علا نیز از همین منظر نگریسته شود.

بهمن ۱۳۸۷

